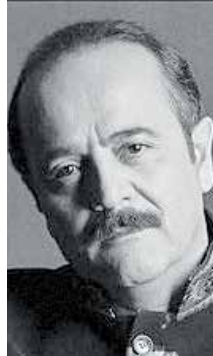




کوک شدن سه تار کیوان ساکت

در کنسرت گروه «وزیری» با سرپرستی کیوان ساکت و خوانندگی وحید تاج، سازهای ایرانی ارکستر آکادمیک پایتخت، «چهارگان» در قالب سومین تجربه از «طرز تازه» و شب گیتار کلاسیک برگزار می‌شوند. کیوان ساکت در این باره گفته است: «هم‌اکنون در تدارک و برنامه‌ریزی برای برگزاری کنسرت هستیم و قرار است پنجم آذرماه در تالار وحدت به همراه گروه «وزیری» به صحنه برویم. وحید تاج در این کنسرت به عنوان خواننده حضور دارد. **ایرنا**



کوبن اسپسی با نقش شیطان در قاهره

فیلم مهیج و روانشناختی «قرارداد» از سینمای مستقل ایتالیا با بازی کوبن اسپسی در نقش شخصیت «شیطان»، در جشنواره فیلم قاهره بدون حضور این بازیگروری فرش فرمز به نمایش درآمد. در این فیلم، اسپسی نقش‌آفرینی می‌کند که در تبلیغات تا حدودی شبیه نقش آل پاچینو در «وکیل مدافع شیطان» توصیف شده است؛ شیطانی که ظاهر یک وکیل انسانی را به خود می‌گیرد. در این فیلم به کارگردانی ماسیمو پاتولچی، اریک رابرتز و ونیستت اسپانو نیز ایفای نقش می‌کنند. **امهر**



کم لطفی به فیصرا امین پور در تلویزیون

انتشار ویدیویی از شعرخوانی در برنامه «صحنه ایرانی» و انتساب آن به فیصرا امین پور واکنش‌های منفی در میان اهالی فرهنگ در پی داشت. خانواده فیصرا امین پور در فضای مجازی نوشتند که فیصرا خود به این کم لطفی‌ها عادت داشت. اسماعیل امینی، شاعر و استاد دانشگاه، صحبت‌های این کارشناس را «پرت و پلا» توصیف کرد و رضا اسماعیلی، شاعر و پژوهشگر، انتشار این ویدیو را آن هم از برنامه‌هایی که با حضور مجریان توانمند پخش می‌شود، تأسف‌آور خواند. **انتسیم**



فرهنگ



رضایی:

با صنفوف و انجمن‌ها تعامل خواهیم داشت

نادره رضایی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اولین دیدار با اعضای خانه موسیقی اعلام کرد، معاونت هنری این آمادگی را دارد که مجوزها به صنف سپرده شود و هرچا که شما ایستاده‌اید من هم پشت شما می‌ایستم و اگر تبعاتی داشته باشد آن را می‌پذیرم و این موضوع را بعد پیگیری خواهیم کرد.

رضایی در این دیدار که عصر روز شنبه ۲۶ آبان ماه در خانه موسیقی ایران برگزار شد، عنوان کرد: نگاه من رو به آینده است و برای همین همه باید دست به دست یکدیگر دهیم. نکته دیگر اینکه لایحه کار صنفی و تشکیلی بخصوص در ایران عشق است و سعی می‌کنم این موضوع را بیشتر درعمل نشان دهم و در این مسیر حتماً با صنف و انجمن‌ها تعامل خواهیم داشت، چرا که تأکید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر همکاری با صنفوف است و این موضوع از وجه نظارتی کم می‌کند تا صنف نیز این مسئولیت را بپذیرد. ما آمادگی داریم مجوزها را با صنفوف بسپاریم. معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه افزود: در جشنواره‌های پیش رو فضایی منطقی و معقول در موسیقی داریم و شما هم می‌توانید به جشنواره کمک کنید. ما باید گردهمایی و حمایت کنیم و وارد حوزه راهبری و سیاستگذاری شویم.

در ادامه حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی ایران به مشکلات حوزه هنرشاره کرد و گفت: خانه موسیقی ایران نزدیک به ۱۷ هزار نفر عضو دارد که به جزرات می‌گویم بیش از نیمی از این تعداد زیر خط فقر هستند و به زحمت می‌توان گفت ۶۰۰-۵۰۰ نفر از هنرمندان موسیقی فعال حوزه اجرا هستند و بخش عظیمی از هنرمندان به ناچار به حوزه آموزش روی آورده‌اند، در صورتی که نباید این گونه باشد.

ضمن اشاره به مسائل معیشتی هنرمندان عنوان کرد: موسیقی نواحی ما وضعیت خوبی ندارد و موسیقی سنتی نیز دوره احتضار را می‌گذراند. این روند در حال نازل‌تر شدن است. بر این اساس از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌خواهیم نگاه حمایتی و سیاستگذاری داشته باشد. نوربخش در ادامه صحبت‌هایش به حضور نسل جوان در ترکیب هیأت مدیره خانه موسیقی ایران اشاره و بیان کرد: مجموعه‌های صنفی امروز به این نتیجه رسیده‌اند و تجربه کرده‌اند که برای پیشبرد اهداف بهتر است پیشکسوتان، شناخته شده‌ها و چهره‌ها در صنف باشند تا امور بهتر پیش برود. مسأله دیگر این است که متأسفانه در امور صنفی، داوطلب چندان نداریم. این هنرمند در پایان صحبت‌هایش گفت: امیدواریم به حضور شما به این موضوعات توجه شود. ما هم در کنار آن هستیم و قاعدتاً باید باهم برای رفع مسائل و مشکلات هنرمندان تعامل داشته باشیم. طی این ادوار گاهی این تعامل به خوبی پیش رفته و در دوره‌هایی نیز دوستان کم لطفی‌هایی داشته‌اند. اعضای دیگر هیأت مدیره از جمله داریوش هیرزیاکان، حمیدرضا عاطفی، زیدالله طلوعی، حمیدرضا اردلان، آذر هاشمی، هنگامه اخوان و داوود گنج‌های نیز با خوشامدگویی به نادره رضایی معاون هنری، اظهار امیدواری کردند که با همکاری بین خانه موسیقی و معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشکلات هنرمندان رو به کاهش رود.



عکس: نقی مصدق

آژانس عکس ایران

تمرکزگرا و سیاست‌زده دارد، مانع رونق کار شده ایم. «او افزود: در طول سال‌ها نویسنده‌گان، مترجمان و پدیدآورندگان به کتابفروشی‌ها رفتند و درباره کتاب‌هایشان سخن گفتند و به پرسش‌های خوانندگان پاسخ دادند. فارغ از اینکه دستگاہ‌های اجرایی چقدر با این شیوه موافق هستند، خود اهالی کتاب این گونه حرکت‌ها و خاطره‌ها را زنده نگه داشتند. بدنه نشر فارغ از سیاستمداران و سیاستگذاران روش‌های جدید گسترش کتابخوانی و مفاهمه را به شیوه‌های متناسب طراحی و اجرا کرد و استمرار بخشید. دوره کارهای تشریفاتی که به پایان رسیده که یکطرفه به سخنرانی‌ها گوش کنیم.»

برای دیدار و گفت‌وگو و مفاهمه خواند و با اشاره به خاطرات سال‌های دور خود از رفت‌وآمد به کتابفروشی‌ها گفت: «در قدیم در محله‌ها کتابفروشی بود، ما هم کتاب‌های درسی و لوازم‌التحریر را از کتابفروشی می‌خریدیم، این کتابفروشی خوشبختانه هنوز هم فعال است.» این پژوهشگر با اشاره به اینکه در اثر شرایط جدید کتابفروشی‌ها مورد غفلت قرار گرفته‌اند، ادامه داد: «هدف ما از برگزاری کتابگردی این بود که با کار نمادین غفلت را به رخ مسئولان بکشیم و شرایط تقویت کتابفروشی‌ها را فراهم کنیم. متأسفانه گاهی نه تنها برای بهبود شرایط کاری نگریم که با برنامه‌هایی که ریشه در نگاه

به صورت مجازی برگزار می‌شود و ادامه داد: «با این نگاه، نقش کتابفروشی‌های محله‌ای فراتر از یک فروشگاه کتاب انگاشته می‌شود. کتابفروشی‌ها به عنوان عنصر فراموش شده در مناسبات شهری می‌توانند جایگاه رفیعی داشته باشند و تأکید ما در این مسائل روی کتابفروشی‌ها است هرچند برخی ناشران کتابفروش هستند.»

بفای کتابفروشی‌ها توضیح داد: «فعالیت کتابفروش‌ها در فضای مجازی اجتناب‌ناپذیر است و در مواردی فضای مجازی نه تنها به کتابفروش‌ها لطمه نزنه بلکه باعث رونق بازار آنها و شکل‌گیری جمع‌های کتابخوان در فضای مجازی شده است. زمانی برای کتاب حرف‌چینی انجام می‌شد و الان هر کسی خودش کتابش را تاپ می‌کند و برای چاپ می‌فرستد. این دست از پیشرفت‌ها اجتناب‌ناپذیر است و باید این تحولات را نپذیریم زیرا مکمل یکدیگر هستند. برای همین گفتم کتابفروشی‌ها در روزگار نو شکل گروه‌هایی از مشتریان را تشکیل دادند و از طریق فضای مجازی نه تنها با ناشران که حتی با نویسندگان و منتقدان ارتباط دارند و گفت‌وگو می‌کنند.»

خواستیم غفلت را به رخ مسئولان بکشیم
مسجد جامعی کتابفروشی‌ها را محلی

افراد برجسته علمی و فرهنگی بود اما کافه کتاب‌ها همانند قهوه‌خانه‌ها همه افشار خصوصاً جوانان را فرامی‌خواند.»

کتابفروشی عنصر فراموش شده در مناسبات شهری

مسجد جامعی با اشاره به اینکه کتابفروشی‌های محلی در نقش‌های محلی‌شان موجب ارتقای ارتباط عاطفی می‌شوند، گفت: «کتابفروشی‌های محله‌ای در عین تحول جایگاه خود را حفظ کرده‌اند و شکل‌گیری کافه کتاب‌ها محصول همین نگاه است. کتابفروشی‌های قدیمی لوازم‌التحریر، وسایل هنری و کتاب‌های درسی می‌فروختند. در این سال‌ها متأسفانه فروش کتاب‌های درسی مدارس را خود دولت عهده‌دار شده و این سیاست تمرکزگرا به نفع جامعه کتابخوان نیست. امیدوارم که در این دولت به حفظ منافع کتابفروشان و کتابخوانان توجه و در این باره با کمک تشکل‌های نشر راهکار مناسبی اندیشیده شود.» به گفته او، در گذشته محله‌ها افقی بود، این روزها محله‌ها عمودی شده است و به هر کدام از برج‌ها می‌توان به عنوان محله نگاه کرد. «در گذشته محله‌ها افقی بود، این روزها محله‌ها عمودی شده است و به هر کدام از برج‌ها می‌توان به عنوان محله نگاه کرد. جای قهوه‌خانه‌ها را کافه‌ها گرفته است. کتابفروشی محله‌ای نقش خود را حفظ کرده است و کارکرد آن با کتابفروشی‌ها و ناشران بزرگی که کتابفروشی دارند، فرق می‌کند. در گذشته کتابفروشی‌ها پاتوق

برنامه‌های دیگر داشتند. این روزها کافه کتاب‌ها شکلی از نقش همان قهوه‌خانه‌ها را دارند، با این تفاوت که در کافه کتاب‌ها این پژوهشگر با اشاره به برگزاری شب‌های شعرخوانی، قصه‌خوانی و معرفی کتاب در کافه کتاب‌ها، ادامه داد: «مردم در کافه‌ها می‌نشینند و جای و قهوه می‌نوشند و یکدیگر را در جریان کتاب‌ها و شعرهایی که خوانده‌اند یا فیلم‌هایی که تماشا کرده‌اند و آوازی‌هایی که شنیده‌اند قرار می‌دهند؛ به فهمی مشترک از مناسبات و زندگی نزدیک می‌شوند و به واقع نوعی مفاهمه در این روند شکل می‌گیرد.»

او ادامه داد: «کارکردهای جایگزین با توجه به نیازهای انسان امروز به کتابفروشی افزوده و ذات مسأله یعنی برقرار کردن ارتباط عاطفی، محبت‌های قیامی، جریان زندگی روزمره و فهم مشترک نتیجه این نشست‌ها در کتابفروشی‌ها و کافه کتاب‌ها است.» اما وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: «برخی از کتابفروشی‌هایی که امروز با نسل جدید مدیران و ایده‌ها نوبه‌روز و احیا شدند، فرزندان همان کتابفروشی‌های قدیمی هستند. برای اینکه این موضوع روشن شود قهوه را با مثال قهوه‌خانه‌ها بیان می‌کنم. زمانی بود که مردم در قهوه‌خانه‌ها می‌نشستند و صحبت می‌کردند. شاهنامه خوانی، پرده خوانی و

گروه فرهنگی / روز کتابگردی عنوان پویایی مردمی است که حدود یک دهه قبل به ابتکار احمد مسجد جامعی طرح شد و با استقبال مردم و کتابفروشی‌ها رنگ تازه‌ای به ویژه برنامه‌های هفته‌های کتاب بخشید. هرچند قبل از سوی متولیان فرهنگی دولت قبل نادیده گرفته شد و امسال پس از یک دوره وقفه بار دیگر دوستداران کتاب را به کتابفروشی‌ها کشاند. مسجد جامعی درباره اهمیت روشن نگه داشتن چراغ کتابفروشی‌ها به «ایران» گفت: «کتابفروشی‌ها جایگاه خود را در افزایش ارتباط عاطفی دارند و شکل‌گیری کافه کتاب‌ها محصول همین نگاه است که می‌تواند جان تازه‌ای به فرهنگ ببخشد.»

کافه کتاب‌ها محصول امروزی‌سازی کتابفروشی‌ها

احمد مسجد جامعی از وزرای اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه کتابفروشی‌های محله‌ای هم می‌توانند در روزگار مدرن به فعالیت خود ادامه دهند به «ایران» گفت: «برخی از کتابفروشی‌هایی که امروز با نسل جدید مدیران و ایده‌ها نوبه‌روز و احیا شدند، فرزندان همان کتابفروشی‌های قدیمی هستند. برای اینکه این موضوع روشن شود قهوه را با مثال قهوه‌خانه‌ها بیان می‌کنم. زمانی بود که مردم در قهوه‌خانه‌ها می‌نشستند و صحبت می‌کردند. شاهنامه خوانی، پرده خوانی و

کشف توطئه قتل افشارطوس را شنیدم که اتفاقاً با واقعیت هم مطابقت داشت. به موازات این داستان، بخشی از دریافت‌های سیاسی و تجربیات گذشته دلیلی برخی اشتباهات به شکست منجر می‌شود. در نتیجه اشتباهاتی که فرصت صحبت درباره‌شان نیست، برنامه اصلی که نفت بوده کنار گذاشته شده و به مسائل فرعی و جنگ بر سر قدرت پرداخته می‌شود. در نهایت نیز برای حدود چهار سال صنعت نفت تعطیل می‌ماند. اینها برخی مواردی هستند که از دیدگاه شخصی من، اشتباهاتی هستند که اگر رخ نمی‌دادند ماجرا به شکل دیگری پیش می‌رفت.

شخصی است که به سرانجام می‌رسد و دیگری روایتی از یک زندگی عمومی است که همان بحث برنامه‌ریزی برای ملی کردن صنعت نفت است که به دلیل برخی اشتباهات به شکست منجر می‌شود. در نتیجه اشتباهاتی که فرصت صحبت درباره‌شان نیست، برنامه اصلی که نفت بوده کنار گذاشته شده و به مسائل فرعی و جنگ بر سر قدرت پرداخته می‌شود. در نهایت نیز برای حدود چهار سال صنعت نفت تعطیل می‌ماند. اینها برخی مواردی هستند که از دیدگاه شخصی من، اشتباهاتی هستند که اگر رخ نمی‌دادند ماجرا به شکل دیگری پیش می‌رفت.

با این تفاسیر شما در خلال تألیف این زمان دست به ارائه تحلیل شخصی خودتان از ماجرای ملی شدن صنعت نفت و فعالیت‌های مصدق هم زده‌اید!

همین‌طور است. اصلاً بخش عمده کتاب بر همین اساس پیش می‌رود.

این کتاب چقدر مستند و تا چه اندازه بر مبنای تخیلی شخصی خودتان است؟

بهرت‌راست بگویم که این زمان، روایتی از یک واقعیت تاریخی به همراه تحلیل‌های شخصی خودم است؛ تحلیلی که آن را مبتنی بر واقعیت می‌دانم. البته منکر این نیستم که تحلیل‌های هر فردی ممکن است با اشتباهات و کاستی‌هایی همراه شود. در این زمان ایراداتی به محبوب‌ترین نخست‌وزیر تاریخ ایران وارد کرده‌ام، به رفتار و عملکردی که در مسیر فعالیت‌های خود در پیش گرفته بود، به قطع روابطش با انگلیس، آن هم در شرایطی که باید پای مذاکره با آنها می‌نشست. با آنکه منکر خدمات میهن‌پرستانه مصدق نیستم اما او مرتکب اشتباهاتی شد که به نوعی در خلال تألیف این زمان به آنها اشاره شده است. او به جای مذاکره برای حل مذاکره، دست به قطع رابطه زد آن هم در شرایطی که برای پیشبرد اهدافش به گفت‌وگو نیاز داشته است. مرحوم فاطمی که در آن زمان جوان و هیجان‌زده بود رابطه را قطع کرد و راه را بر هر سازشی بست.

لطفاً درباره قتل تیمسار افشار طوس و جایگاهش در روایت زمان هم توضیح دهید.

با یک برخورد واقعی که من شخصاً با رئیس اداره آگاهی زمان دکتر مصدق داشتم و در خلال آن گفت‌وگو، جریان

برپایی انتخابات ریاست جمهوری، این زمان تألیفی و اثری است که خودم آن را نوشته‌ام. زنده‌یاد سمعی بیکبر اصلاحات کتاب و بازنشر آن شد که متأسفانه عمرش کفاف نداد و رفت.

آقای مجلسی، دلیل این چند وجهی بودن که در زندگی حرفه‌ای‌تان در پیش گرفته‌اید چیست؟ هم پیشینه فعالیت‌های سیاسی دارید و هم اینکه ترجمه‌های متعددی از آثار ادبی و سیاسی انجام دادید. زمان نویسی هم که یکی دیگر از اقدامات جدی‌تان است!

خب زمان نویسی و حتی ترجمه‌هایم دور از زندگی سیاسی‌ام نیست. در همه زمان‌هایی که نوشته‌ام، ردیای پرزگی از تفکرات سیاسی و حتی زندگی کاری‌ام دیده می‌شود. در همه اینها، عقاید سیاسی من که با حمایت از نهضت ملی نفت آغاز شد هم دیده می‌شود، هرچند که در طول زمان، یک دیدگاه‌های سیاسی انتقادی هم نسبت به روش برخورد با آن ماجرای تاریخی در من ایجاد شد.

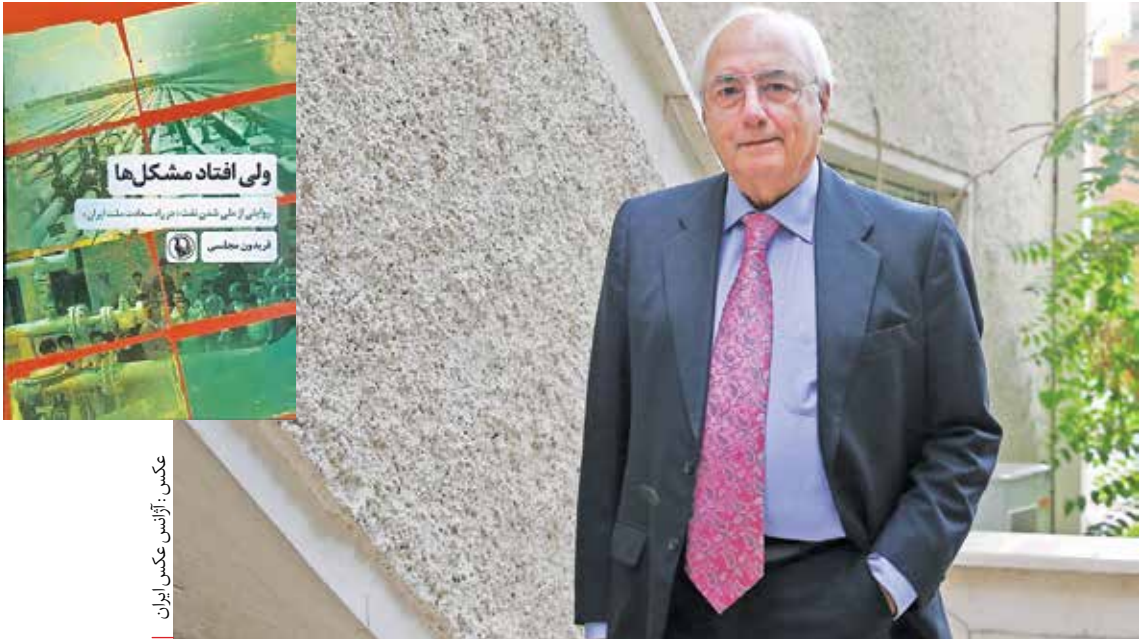
شما در کتاب «مصدق» هم به این شخصیت سیاسی پرداخته‌اید. چقدر است که این زمان نیز همچنان به‌دکتر مصدق و ماجرای کودتای ۲۸ مرداد اختصاص دارد.

بله. اصلاً قهرمان واقعی این کتاب به نوعی دکتر مصدق است. «اسیر افتخار» که هم‌اکنون با نام دیگری روانه کتابفروشی‌ها شده درباره ملی شدن صنعت نفت است. اتفاقی که آن را کسب افتخار مهمی در تاریخ معاصرمان می‌دانم. اما متأسفانه رفتاری که با ملی شدن صنعت نفت کردند، مصدق و همه‌مان را اسیر خود کرد.

درباره ماجرای این کتاب، با توجه به آن که در دست‌رسان‌ترین جریان دارد بیشتر توضیح دهید و اینکه در چه ژانری آن را به تصویر کشیده‌اید؟

این کتاب در قالبی تقریباً پلیسی نوشته شده و با ماجرای قتل رئیس شهربانی مصدق آغاز می‌شود. ماجرای که چندماه قبل از کودتای ۲۸ مرداد رخ می‌دهد و مقدمه‌های برخورد آن به شمار می‌آید. داستان این اتفاق با روایت افرادی که در آن حضور داشته و حتی در پیشبرد روند کارها مؤثر بوده‌اند، پیش می‌رود.

چند شخصیت خیالی هم در این زمان نقش آفرینی می‌کنند. در این زمان با دوزنگی روبه‌رو می‌شوید، یک زندگی



عکس: نقی مصدق

فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «ایران» از بازنشر «اسیر افتخار» با نامی تازه گفت

ولی افتاد مشکل‌ها

کتاب

مریم شهزادی

خبرنگار

«اسیر افتخار» که ماجرای ملی شدن صنعت نفت را با محوریت دکتر مصدق روایت می‌کند، پس از طی چالش‌هایی در مسیر بازنشر آن در دولت سیزدهم به تازگی با نام «ولی افتاد مشکل‌ها» روانه کتابفروشی‌ها شده است. این زمان به قلم فریدون مجلسی و از سوی نشر مروارید منتشر شده است که در برگزیده بخشی از تحلیل و تفسیرهای این نویسنده و دیپلمات اسبق است. به بهانه بازنشر این کتاب، گفت‌وگوی امروزمان را با فریدون مجلسی می‌خوانید.

بسیست و بیخ ایراد از آن گرفتند. خب من آدم جنگجویی نیستم و دلم می‌خواهد آرام را مردم بخوانند. پذیرفتم و تغییرات را اعمال کردم. اما بازم راضی نشدم. در نهایت به اسم کتاب گیر دادند که این باید عوض شود! به ناشر زنگ زدم که اسم کتاب را به «اسیر» تغییر بده. بی‌فایده بود. دوباره تماس گرفتم که خب فلائی اسمش را بگذار «افتخار». ناشر کتاب در پاسخ

چرا کتاب «اسیر افتخار» به تازگی با نام دیگری روانه کتابفروشی‌ها شده؟ این زمان چند سال قبل با عنوان «اسیر افتخار» و در همراهی با انتشارات کتاب‌سرا منتشر شد. اما نمی‌دانم چرا در دولت قبل که برای بازنشر آن اقدام کردیم، گفتند باید مجدد بازنویسی شود! آن هم کتابی که یک مرتبه مجوز نشر گرفته و منتشر هم شده بود. در بازبینی مجدد حدود

اصلاحات کتاب برای چه‌سالی بود؟ در اواخر دولت سیزدهم و کمی قبل از